



صفحه ۷
۳۰ دی ۱۴۰۲
شماره ۹۵

زندگی یخچالی (قسمت اول)

را انعام نداده از خانه اش بیرون کرد. آمد سمت یخچال و شروع کرد به بازکردن کارتن. از ترس پلک هایم راروی هم فشار می دادم. نمی دانم صدای ضربان قلبم را می شنید یا نه. چون چند دقیقه پیش متوجه شده بودم زیاد میانه خوبی با کارگرها ندارد. به ویژه آن هایی که دزدکی وارد خانه اش بشوند! کارتن باز شد. دستش را انداخت که در یخچال را باز کند. عرق روی پیشانی ام به نظر یخ زده بود. با وجود آنکه چشمانم بسته بود، مطمئن بودم در یخچال را باز کرده است. ولی چرا هیچ واکنشی نشان نمی داد؟! نکند شوکه شده و سکنه کرده؟! از صدای خش خش متوجه شدم دارد برخی چیزمیزها را داخل یخچال می گذارد. چشمانم را باز کردم. دیدم عینکی ته استکانی به چشم دارد و کورمال کورمال دارد اقلام داخل یخچال قدیمی اش را به یخچال جدید منتقل می کند. من همان طور فرورفته در یخچال، اقلام را از او می گرفتم و داخل یخچال می چیدم! و منتظر فرصتی برای فرار بودم که در را بست و قفل کودک را هم فعال کرد! (ادامه دارد...)



من شاید اولین شهروند شهری باشم که شهر نیست، ولی هست! شهرهای قدیم کنار آب شکل می گرفت و شهرهای جدید که دیدند باید فکر نان باشند که خربزه آب است. به فکر نان در آوردن افتادند و کنار پول و سرمایه تشکیل شدند؛ شهر فرش و شهر لوازم خانگی و شهرهایی از این دست. من هم کارگر یکی از همین شهرها شدم و چون جایی برای خواب نداشتم، شب ها قاچاقی همان جا می خوابیدم. شب ها همه شهرمال من بود. مهمانان فرضی دعوت می کردم تا روی بهترین فرش ها و میل ها بنشینند تا از یخچال سایدبای ساید برایشان «جویس» دلخواهشان را بیاورم و روی منقل برقی کباب فرضی برایشان بپزم!

از بد حادثه یک شب وسط بزم ما با مهمانان، مدیر شهری که کارگر روزانه و صاحب شبانه آن بود، ناخوانده وارد مهمانی شد. من هم از ترس آنکه مرا نبیند، رفتم داخل یک یخچال بزرگ پنهان شدم. داشت با تلفن صحبت می کرد و می گفت که ما این ساعت تحویل کالا نداریم، ولی به دلیل ارادتی که به شما دارم، خودم آمدم تا یخچال را برای شما بفرستم. و سپس کارتن یخچال را گذاشت روی یخچالی که من داخل آن بودم و شروع کرد به بسته بندی آن. کارگر وانتی آمد و یخچال را سوار وانت کرد و برد به خانه یک پیرمرد که به نظر آدم مهمی می آمد.

پیرمرد با غرغر زیاد کارگرها

ایجو، مگفتن
فاطمه بوجار

عباس علی آبادی، وزیر صمت:

مشکلی درباره واردات خودروهای دست دوم به کشور نداریم و این مهم به زودی اجرا می شود.
(خبرگزاری مهر)

محمد علی نیکبخت، وزیر جهاد کشاورزی:

مشکلی درباره کاهش قیمت گوشت نداریم. در حال مذاکره با گوسفندداران هستیم.

مهرداد بذریاش، وزیر راه و شهرسازی:

مشکلی درباره بیدار کردن بازار مسکن از خواب رکود نداریم و به زودی بیدارش می کنیم. ساعت کوک کرده ایم.

محسن رضایی:

مشکلی درباره اضافه شدن ماهی به سفره مردم نداریم. فقط مردم باید ماهی گیری یاد بگیرند.

محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ:

مشکلی درباره بازگشت معین به کشور نداریم. عزیز من چشم انتظارم نذار.

بایدن، رئیس جمهور آمریکا:

مشکلی درباره امنیت کشتی هایمان در دریای سرخ نداریم. این مهم اگر یمن سر تنگه خفتمان نکند، در حال اجراست.